

گزارش سوم

دسیسه صهیونیسم بر ضد تیم ملی فوتبال ایران ادامه دارد.

تلاش برای خرابکاری در بازی تیم ملی فوتبال ایران تمامی ندارد. پس از اینکه صهیونیستها در نورنبرگ در آستانه بازی ایران و مکزیک به تحریکاتشان علیه تیم ملی فوتبال ایران ادامه دادند همان اعمال زشت را در شهر فرانکفورت و این بار با تعداد کمتری شرکت کننده با چتر گسترده حمایتی رسانه های گروهی آلمان به نمایش گذاردند و اعلام کردند که برای ادامه مبارزه در آستانه بازی ایران و انگولا نیز حضور خواهند داشت. در این نمایش مسخره ضد ایرانی که اعتراض به گفتار احمدی نژاد را بهانه کرده اند مشتی ایرانی خود فروخته و این بار در کنار پرچم شیر و خورشید و اسرائیل با پرچم اربابشان آمریکا شرکت کردند که از ترس “آبرویشان” شرم می کردند هویت خویش را بر ملا کنند. همین پنهانکاری در مورد هویت این جریانهای ناپاک حاکی است که آنها از مردم ایران می هراسند و برای کار ننگینشان که با اسرائیل و آمریکا جبهه متحد درست کرده اند باطنا احساس شرم و گناه می کنند و گر نه چگونه می توان پرده پوشی کسی را که از راهی که می رود مطمئن است توضیح داد. اینها همان دریوزگان سیاسی هستند که قبا شروع بازیهای جام جهانی فوتبال از صهیونیسم و امپریالیسم جهانی تقاضا نمودند از حضور تیم ایران در بازیهای فوتبال جام جهانی ممانعت کند. ولی با سرشکستگی در این کار دسیسه گرانه موفق نشدند.

نمایشات اخیر این عده ادامه سیاست ممنوعیت حضور تیم ملی ایران است که با شکست مفتضحانه روبرو شد. آنها می خواهند جای خالی آن سیاست را با این اقدامات مسخره پر کنند.

البته سخگویان این جریان ناظر بودند که بجز چند نفر ایرانی خود فروخته وارداتی کسی از ۷ الی ۸ هزار ایرانی حاضر در فرانکفورت در نمایش سیرک آنها شرکت نکرده است. آنها خبر داشتند که اقدامات آنها با خشم ایرانیان روبرو شده است. این است که مرتب تکرار می کردند که هدف ما از این نمایش دشمنی با مردم ایران و تیم ملی فوتبال ایران نیست. این مسخره ها فراموش کرده اند که خودشان بودند که یکماه قبل خواهان محرومیت تیم ملی فوتبال ایران برای شرکت در بازی های جام جهانی بودند. آنها فراموش می کردند که این نمایشات مسخره را در نورنبرگ، فرانکفورت و سپس در لایپزیک روز بازیهای تیم ایران برگزار می کنند و دروغهای آنها را کسی باور نمی کند. ولی آنها شاهد بودند که در هنگام بازی ایران و پرتقال خیابانها خالی بود. مردم جهان از هندی و پاکستانی، تا ترک و عرب و ارمنی و قفقازی و آلمانی و اتریشی و آفریقائی و ... از تیم ملی ایران حمایت می کردند و این نه از آن جهت که همه مسلمان بنیادگرا و حامی رژیم جمهوری اسلامی هستند بلکه از این جهت که زورگویی امپریالیسم و صهیونیسم به ایران را نمی پذیرند. زیرا که این بازیها برای همه، دیگر مضمون سیاسی یافته بود. مردم جهان خواهان تجاوز امپریالیستها به ایران نیستند و هر پیروزی تیم ملی فوتبال ایران را پیروزی و دهن کجی بر صهیونیسم و امپریالیسم تلقی می کنند و دلشان از آن شاد می شود. پیروزی در این بازیها برای بسیاری ملتهای جهان تحقق آرزوهای سرکوب شده باطنیشان است. ایرانیان با شم سیاسی خویش بخوبی فرق شرایط امروز را که همسایگان ما در آتش تجاوز امپریالیستی می سوزند و دشمن خونخوار و جنایت پیشه در پی تفرقه و تجزیه ایران است و تهدید حمله به ایران را هر روز صیقل می دهد، می دانستند. ایرانی ها با برافراشتن پرچمهای ایران که در روی آنها کلمه ایران به لاتین نوشته شده بود مخالفت خویش را با رژیم جمهوری اسلامی اعلام کردند ولی در عین حال نشان دادند که از نسل دریوزگان سیاسی نیستند که در نمایشات اسرائیلیها شرکت کنند. گرچه در استادیوم تعداد پرچمهای مزین به آرم جمهوری اسلامی در اکثریت بود ولی نباید فراموش کنیم که رژیم از روزها قبل شال گردن و پرچم جمهوری اسلامی را مجانا در میان ایرانیان پخش می کرد.

هر کس که با تاریخ ایران آشنا باشد و از مردم میهن ما بیگانه نباشد می داند که این رژیم جمهوری اسلامی است که با ورزش ایران به دشمنی برخاست. در بدو انقلاب انواع ورزشها را از نظر اسلامی حرام دانست و فقط شمشیر بازی و اسب سواری را بعنوان ورزش برسمیت شناخت. آنهم باین علت که حضرت محمد شمشیر می زده و اسب میتاخته است و در غزوات خود از این دو ورزش استفاده می نموده است. این مبارزه مردم ایران بود و هست که فوتبال ایران را مانند خنجر در دل جمهوری اسلامی فرو می کند و نعره اش را به عرش می رساند. در روزهای پیروزی تیم ملی فوتبال ایران پتانسیل انقلابی مردم آزاد می شود، ترسشان می ریزد و حضور میلیونی آنها در صحنه و همسرنوشتی ملی آنها که در اثر حکومت جمهوری اسلامی سالهاست که تحقیر شده است برجسته می شود و چون آتشفشانی فوران می کند. رژیم از این آتش میهراسد. هر روز که مسابقات مهم فوتبال ملی با تیم رقیبی در جهان برگزار می شود روز جشن مردم و روز عزای جمهوری اسلامی ایران است. جمهوری اسلامی تمایلی ندارد که تیم ملی فوتبال ایران در مسابقات جهانی با موفقیت روبرو شود. مبارزه بی امان و ترقی خواهانه زنان ایران نیز در عرصه ورزشی بویژه فوتبال و حضور در استادیوم های مردانه رژیم اسلامی را مجبور به عقب نشینی هایی نمود و این پیکار همچنان ادامه دارد.

آنها در ایران در زمان برگزاری جام جهانی فوتبال، برای اینکه از حضور مردم در خیابانها جلوگیری کنند پرده های مهم نمایشی را که در بدو امر برای نشان دادن فوتبال نصبشان را مجاز دانسته بودند از ترس اینکه در صورت پیروزی تیم ملی فوتبال ایران خیابانهای ایران به عرصه های شکوهمندی از مبارزه مردم ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی بدل شود، جمع کردند. یک حکومت نظامی پنهان برقرار کردند. کسی اگر این امر را نفهمیده باشد ابله سیاسی است و گوئی که در کره مرخ زندگی می کند. این سفیهان نظیر دارودسته منصور حکمت از همان روز نخست با هماهنگی با اسرائیل در جبهه تحریم تیم ملی فوتبال ایران قرار گرفتند و در اینترنت و نشریات خویش به تبلیغ آن پرداختند. مشتی جیره خواران آنها نیز به این ایده ارتجاعی تاسی جستند.

مردم ایران پس از باخت ایران به مکزیک مسئولیت آنرا به گردن بازی تشریفاتی علی دائی که نماینده مستقیم خامنه ای در تیم ملی فوتبال ایران است گذاردند و به خیابانها ریخته و شیشه های مغازه ورزشی وی را در تهران شکانند. این فشار مردمی بقدری زیاد بود که “رهبر” عقب نشینی کرد و از اصرار خود مبنی بر ادامه بازی علی دائی دست برداشت. سایر فوتبالیستهای ایرانی در رخت کن در فاصله دوبازی نقش مهمی در این عرصه بازی کردند.

ایرانیانی که در ایران زندگی می کنند و از رفتار صهیونیستها و جاسوسان با نقاب و بی نقاب آنها منزجرند با تدارک قبلی خود را در خانه های خویش برای یک جشن بزرگ آماده می کردند. مردم همه شیرینی خریده و آماده پخش آن بودند. نوارهای موسیقی برای پخش از ضبط صوت و سی دی از رادیو آماده بود. همه لباس رقص پوشیده بودند و حجابهای ننگین اسلامی را بکنار گذارده بودند. یک نمونه کوتاه آنرا همه در فاصله تنفس پس از تساوی نیمه اول بازی با مکزیک در تهران شاهد بودند. رژیم از توفان سهمگینی میهراسید و دعای کمیل می خواند که تیم ایران پیروز نشود. آنها ناراحت بودند که بچه دلیل “فیفا” به حرف صهیونیستها و اپوزیسیون مزدور ایران گوش نداده و از شرکت تیم ملی فوتبال ایران جلوگیری نکرده است.

پس از شکست تیم ملی ایران که در آن حضور هموطنان بازیکن ارمنی نیز جلب نظر می کرد، حزب الهی ها به خیابان آمده و زنان لچک بسر از شکست تیم ایران اظهار خوشحالی کردند که باعث شده از بی حجابی و توزیع موسیقی های تحریک آمیز جلوگیری شود. رژیم جمهوری اسلامی در پی آن است که بدل مبارزه با تظاهرات مردم را بیابد و از آن وسیله استفاده کند. شرکت مشتی خواهران زینب و فاطمه و سکینه در خیابان و رفتار اوباشانه آنها، ناظر را بیاد کسانی می اندازد که وقتی آب نیست شناگر قابلی هستند. اگر تیم ملی فوتبال ایران پیروز می شد آنوقت میلیونها هموطنان ما با ابراز نفرت نسبت به جمهوری اسلامی در خیابانها میداندار مبارزه بودند و آنوقت این خواهران زینب دهن دریده باید سوراخ موش را با میلیونها تومان می خریدند. این اتهام ننگین که اعضای تیم ملی فوتبال ایران را نوکران خامنه ای جلوه می دهد از ضعف در استدلال صهیونیستی آنها ناشی می شود. فوتبالیستهای تیم ملی ایران یک صدا خواهان آن بودند که علی دائی کنار گذاشته شود و آنچه روشن است حداقل اعضای مسیحی تیم ملی فوتبال ایران نمی توانند حامیان جمهوری اسلامی باشد. مفتریان باید حداقل از آنها شرم کنند. مشتی ابله سیاسی بر این تصورند که از موضع “چپ” خواستار اخراج تیمهای ورزشی ایران از میدانهای رقابتی جهانی شوند. این عده همان هائی هستند که با تجاوز امپریالیسم و صهیونیسم به ایران موافقت و به همدستان استعمار تبدیل شده اند. آنها برای راحتی کار خویش همه ورزشکاران ایران را نوکر جمهوری اسلامی وانمود می سازند تا تئوریهای ارتجاعی خویش را به کرسی بنشانند. نظام فکری آنها نیهیلیسم محض و دشمنی با ایران و نه جمهوری اسلامی است. آنها به ایران ویران علاقمندند. این است که دشمنی آنها حتی با جمهوری اسلامی نیز کور و فاقد دورنما و آینده نگریست. پوچ و ننگین است. این زمینه و سیستم فکری حاضر است بهر ننگی تن در دهد و برای “سرنگونی جمهوری اسلامی” دست به دامن جرج بوش و آریل شارون و نظایر آنها و ویرانی ایران شود.

بهر صورت دسیسه علیه تیم ملی فوتبال ایران همچنان ادامه دارد صهیونیستها و امپریالیستها و نوکران ایرانی آنها هنوز فعالند مرحله بعدی خرابکاری آنها در لایبزیگ است. پیروزی احتمالی تیم ملی فوتبال ایران در نورنبرگ، فرانکفورت و یا در لایبزیگ و انفجار جش و شادی مردم ایران نمی توانست و یا نمی تواند به مذاق جمهوری اسلامی خوش آید. این است که امپریالیسم، صهیونیسم، پان اسلامیسیم و نیهیلیستهای چپما همه از شکست تیم ملی فوتبال ایران مسرور خواهند شد. ننگ بر آنان باد.

حزب کار ایران (توفان) کمیته آلمان

یکشنبه ۱۸ ژوئن ۲۰۰۶

آدرس الکترونیکی حزب toufan@toufan.org

آدرس سایت حزب www.toufan.org